**آرامگاه شاه عباس اول**

**نراقی، حسن**

در شمارهء بهمن‏ماه 1350 مجلهء یغما مقالهء تاریخی سودمندی ذیل عنوان«شاه عباس‏ اول چگونه در گذشت»ملاحظه شد که برداشت بلند آن خوانندگان را امیدوار می‏نمود که‏ در پایان مقاله از تحقیقات دقیق و استادانهء نویسنده دربارهء مدفن و آرامگاه حقیقی شاه‏ عباس بهره‏مند گردند تا شک و تردیدی را که بر اثر شایعات بی‏اصل و اساسی پدید آمده‏ بر طرف سازد.و لیکن نویسندهء دانشمند بدون هیچگونه توضیح و اظهار عقیده‏ای رشته سخن‏ را رها فرموده‏اند و مطلب ناقص و نا تمام مانده است.

نظر باهمیت شناسائی مدفن شاه عباس اول چون نگارنده از دیر باز در این باره تحقیقاتی‏ دقیق کرده‏ام بطور اختصار به بیان مطلب می‏پردازد.جهت آشنائی اذهان باینکه مدفن و قبر اول و آخر شاه عباس کبیر همانا قبریست که با سنگ سماق سیاه مکعب مستطیلی در بقعهء حبیب بن موسی واقع در کوی پشت مشهد کاشان مشخص بوده و میباشد،نخست باید این نکته‏ را در نظر داشت که آنزمان شهر کاشان در اذهان عامه بخصوص نزد شاه عباس و دیگر پادشاهان‏ صفویه یکی از سه شهر مقدس شیعه(قم،کاشان و اردبیل)بشمار میرفت و بگفتهء علامه دهخدا در شرح احوال شاه اسماعیل اول«کاشان که حسن حسین شیعیان بوده شاه اسماعیل را باو جد و سرور بی‏پایان پذیرائی کرد.»

شوالیه شاردن فرانسوی(در ص 75 ج 3 سیاحتنامه شاردن)پس از بیان شرحی از اهمیت بنا و ساختمان و زرق و برق آرامگاه شاه عباس دوم و شاه صفی در قم و وسائل مفصل‏ تشریفاتی و ذکر ارقام گزاف هزینه‏های آنها آنگاه از نظر شایعات و صحنه سازیهای افواهی‏ بعنوان حمل چند جنازه به نقاط مختلف حتی دربارهء مدفن شاه عباس دوم و شاه صفی نیز که‏ در قم میباشد اظهار تردید مینماید.با اینحال در گفتار دیگری به عنوان(مراسم دفن و کفن پادشاهان صفویه)در ص 128 ج 9 سیاحتنامه شاردن چنین گوید:

«ایرانیان برای تدفین پادشاهان خود شهر قم و کاشان و مشهد و اردبیل را بر سایرین‏ ترجیح میدهند.در این چهار شهر شهداء و اشخاص نامی و مقدس مذهب اسلام سابقا زندگی کرده و حال مدفونند و از قراریکه میگویند قم و کاشان از طرف قدرت کامله باریتعالی‏ برای مؤمنینی که معاندین قرون اولیه اسلام بی‏رحمانه تعاقب میکرده‏اند ملجاء و مأمن معین‏ شده و ائمه برای رستن از زجر و خصومت کفار بدانجا پناه می‏برده‏اند و اکنون بعضی در آنجا مدفونند و بدین سبب این دو مکان را مقدس میدانند و در نوشته‏ها دار الموحدین و دار المؤمنین میخوانند.»

انگلبرت کمپفر جهانگرد آلمانی نیز در کتاب خود بنام(در دربار شاهنشاه ایران‏ ص 129)دربارهء بقاع و مقابر چنین گوید:

«مراد از بقاع متبرکه هم مساجد است هم مقابری که امام زادگان،شیوخ،مقدسین صاحب کرامت،علمای مشهور و یا پادشاهان در آن دفن شده‏اند.و مشهورترین بقاع‏ عبارتند از بقاع مشهد،قم،کاشان و اردبیل.»

همین نویسنده جای دیگر(در ص 124)گوید:«اغلب قبور مقدسین در دهات یا نواحی دور افتاده قرار گرفته است.فقط شهر کاشان از این قاعده مستثنی است که در داخل‏ خود قبور بسیاری از مقدسین را جای داده و بهمین مناسبت لقب دار المؤمنین گرفته است.»

ایران‏شناس معروف آندره گدار فرانسوی در نتیجه بررسی‏های همه جانبهء خود(در ص 106 جزو اول جلد دوم نشریه فرانسوی آثار ایران)مینویسد:«در سال 1038 هـ ق‏ که شاه عباس بزرگ در فرح آباد مازندران زندگی را بدرود گفت جسدش را برحسب وصیت خود او بکاشان آورده در مزار حبیب بن موسی که از اجداد پادشاهان صفویه میباشد بخاک سپردند.» و همچنین در ص 106 جزوه اول ج 3 همان نشریه زیر گراور سنگ سماق بزرگ قبر شاه- عباس را که نشان داده مینویسد:

«در سال 1038 هـ ق که شاه عباس در فرح آباد مازندران زندگی را بدرود گفت‏ برحسب دستور و وصیت خود او جسدش را به کاشان برده در مزار حبیب بن موسی که از دودمان‏ اجداد سلسله صفویه میباشد او را بخاک سپردند.»

دلیل واضح بر صحت وصیت شاه عباس راجع به آرامگاه خود و اجرای آن همان نفس‏ عمل انجام یافته است یعنی حمل جنازه از مازندران بکاشان و پشت سر نهادن اماکن مشرفه‏ مانند حضرت عبد العظیم و بارگاه معصومه قم میباشد.وانگهی از آن زمان تاکنون که بالغ‏ بر سه قرن و نیم میگذرد این قبر و آرامگاه بنام شاه عباس شناخته شده و زیارتگاه عموم بوده‏ است.در حالیکه در هیچ کجای دیگر هم شنیده نشده که مقبره و مکان معینی را بشاه عباس نسبت‏ داده باشند بطوریکه از این حیث نیز آرامگاه مشهور و مشخص وی در کاشان بلا معارض‏ میباشد.و اما از دیدگاه منابع اصیل تاریخی ایران فقط به مأخذ ذیل که در صحت و درستی‏ آن شک و تردیدی راه ندارد اکتفا میشود:

اسکندر بیک ترکمان منشی شاه عباس پس از اتمام تاریخ عالم آرای عباسی در کتاب‏ دیگر خود که تا پنج سال سوانح دوران پادشاهی شاه صفی را برحسب فرمان او بقلم آورده‏ و بنام«ذیل بر عالم آرای عباسی»معروف است در ص 31 ضمن وقایع مسافرت شاه صفی بکاشان‏ چنین مینویسد:

«چون بکاشان رسیدند بزیارت مدفن شریف حضرت گیتی ستان مشرف گشته جهت‏ ترویح روح آن حضرت بختمات کلام حضرت ملک علام و اطعام فقرا و مساکین و خیرات و تصدقات اقدام فرمودند و از تربت مقدس و روح مطهرش استمداد همت‏ قرموده لوای جهانگشا بصوب مقصد افراختند.»

بدیهی است که این بیان صریح و روشن اسکندر بیک جای هیچگونه گفتگو و ابهامی‏ در این باره باقی نگذارده است.مضافا بآنکه اسکندر بیک منشی که(بگفتهء محقق فقید عباس‏ اقبال در ش 2 س 2 مجله یادگار)محل جنازه ساختگی و مصلحتی شاه طهماسب را برحسب‏ امر شاه عباس در کتاب عالم آرا شرح و بسط داده و حتی راجع به جنازهء سلطان محمد خدا بنده که ابتدا در بقعة شاهزاده حسین قزوینی بخاک سپرده شده بود در همان کتاب مینویسد: «بعد از مدتی از آنجا بعتبات عالیات حمل شد»اگر نقل و انتقالی در جنازه شاه عباس داده‏ میشد چگونه ممکن بود مسکوت بگذارد و بگذرد.

انجمن آثار ملی در مقدمهء کتاب(آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز)تألیف این‏ نگارنده تصریح می‏فرماید:

ساختمان بنای متناسب و در خور آرامگاه شاه عباس شهریار نامی ایران واقع در کنار بقعهء حبیب بن موسی در محلهء پشت مشهد کاشان توأم با کتابخانه و موزه و دیگر مستحدثات آن با رعایت موقع موجود خوابگاه ابدی شهریار بزرگ صفوی و وضع‏ بقعه حبیب بن موسی و ایجاد خیابانی از محل آرامگاه تا خیابان شاه عباس و بطور خلاصه ترتیب مجموعه‏ای همانند آنچه برای آرامگاه نادر شاه افشار در مشهد انجام‏ گرفته است از دیر باز مورد علاقهء فراوان انجمن آثار ملی بوده است و امید میرود موجبات اجرای چنین امری با همکاریهای شایسته مقامات مربوطه زودتر فراهم‏ آید و این خدمات تا حدی بفراخور مقام فرهنگ و تاریخ ایران جامهء عمل بپوشد.»

مجله یغما-با تحقیقات و توضیحات نویسندهء مقاله باید مدفن شاه عباس اول را در کاشان بدانیم و از کنجکاوی‏های بی‏سود و زیان بخش بپرهیزیم.

توضیح

در شماره فروردین‏ماه 51 مجلهء یغما مقاله«بروسهء کهنسال»نوشته آقای‏ جمال زاده در صفحهء 24 مشاهده شد که مسجد موسوم به«قزل جامع»را بمعنی‏ مسجد سبز و مقبرهء«قزل تربت»را بمعنی مقبرهء سبز تفسیر فرموده‏اند، لازم دانست باستحضار برساند که کلمهء«قزل»در زبان ترکی و استانبولی‏ بمعنی سرخ است نه سبز.مثل قزلباش که بمجاهدان صفوی از آنجهت گفته‏ میشد که کلاه آنان برنگ قرمز بود.

از اینرو قزل جامع را باید مسجد سرخ و قزل تربت را مقبره سرخ معنی کرد.